

یادداشت/ توسعه کشاورزی سنتی و راهکارهای عملی آن به قلم مهندس جمشید میرسلیمی



با نگاهی اجمالی بر روند افول کشاورزی سنتی و کاهش محصولات کشاورزی در طی دوران مدرنیته کردن زندگی مردم و تکنولوژی مدرنیزه، آنچه که موجب ایجاد معضل در این فرآیند می‌باشد به دو مولفه مربوط می‌شود یکی نداشتن برنامه منفک بین کشاورزی مدرنیزه با کشاورزی سنتی و دومی به تبعیت از مولفه اول مصرفی کردن کشاورزان سنتی و فرآیند مهاجرت آنهاست.

در این رکن قابل توجه اگر آماری در وضعیت زمین‌های غیر پیوسته و نداشتن شرایط مکانیزه کردن وجود داشته باشد رقم قابل توجه از سطح کلان زمین‌های مستعد کشاورزی را زمین‌های کوچک روستایی و کوه پایه‌ای تشکیل می‌دهد که در گذشته صاحبان آن با تدابیر تجربه ای به کار می گرفتند و علاوه بر مایحتاج زندگی خود مابقی را جهت عرضه به مشتریان اقدام می کردند.

اما امروز متأسفانه نه کشت قابل توجهی بر آن منابع انجام می پذیرد و نه محصول قابل توجهی بدست می آید و نه چشم اندازی وجود دارد که روستائیان عزیز زحمت کشت به آن دل ببندند و دردناکتر از همه این‌ها مهاجرت روستائیان و تخلیه روستا می باشد و زمین هایشان به دلیل عدم کشت بر اساس قانون زمین های بایر سازمان متبوع تملک و یا تلاش در جهت خلع ید می باشد و یا سرگردان رها شده است و علی رغم وجود کارشناسان خبره و نظریه پردازان ماهر و دانش‌پژوهان این عرصه در دانشگاه‌ها گزارش جامع و مستدل و مستندی که ماحصل جمع نظریه ها و برنامه کاربردی باشد در خصوص چرایی تخریب و عدم موفقیت در این حوزه ارائه نگردیده است.

اینک جای تعمق و تکفر است که نسبت به رویکرد مولفه اول که برنامه ریزی کشاورزی سنتی استکار گروهی در هر بخش اقلیمی با مشارکت کشاورزان خبره و صاحب نظر تشکیل و در خصوص هر اقلیم یا روستا با بهره گیری از تجربیات نسل های گذشته طرحی که متناسب با داشته های اقلیمی است تهیه شود و جهت قانونمند شدن، به سازمان متبوع ارائه گردد و مولفه دوم که مصرفی شدن کشاورزان بومی و مهاجرت به شهرهاست در صورت ارائه یک برنامه عملی که با اجرای آن افراد مشوق به انجام آن باشند تحقق می یابد.

با توجه به توضیح فوق جهت سهولت به برنامه های کاربردی پیشنهاد ذیل تقدیم می گردد:

۱- جهت تشویق کشاورزان مهاجر و عودتبه روستاها برای یک برنامه دو ساله کلیه محصولات مازادشان را پیش خرید و مبلغ پنجاه درصد بهای آن طی فرآیند کشت (از تاریخ آماده سازی زمین تا پایان کشت دانه) به آنان پرداخت گردد.

۲- با تعیین یک برنامه دو ساله جهت تهیه گزارش کشت مغلوب توسط کارگروه و مجاز بودن کشاورز در این برنامه زمانی جهت هر نوع کشت.

۳- رایگان بودن آب شرب برای کشاورزان مقیم و مشغول کشت و کار

بودن و آب کشاورزی طبق سنت خودشان.

۴- دو برابر کردن یارانه ها برای کشاورزان مقیم و مشغول به کشت و کار در روستا.

۵- در اختیار قرار دادن کود و سهم و بذر به قیمت تمام شده جهت روستائیان.

۶- پرداخت وام بدون بهره دو ساله جهت دامداران روستایی.

۷- صدور پروانه بدون هزینه جهت ساخت مسکن به روستائیان.

۸- پرداخت وام و تسهیلات بابت ساخت اسطبل و آقل دامی و امثالهم.

۹- برگرداندن مراتع و زمین های کشاورزی که توسط دولت ضبط گردیده و یا در جریان می باشد.

۱۰- تفویض مسئولیت های سایر سازمانها و ادارات به جهاد کشاورزی و تنها مسئول اداره روستاها چه در بخش کشاورزی و چه توسعه ای توسط جهاد کشاورزی.

۱۱- انتقال ادارات و کارشناسان از مراکز استان ها به بخش ها و تدوین برنامه های آموزشی به کشاورزان و نظارت مستمر بر امور کشت و کار روستاها.

با نگاهی به منابع آب و خاک کشور و نظری بر فعالیت روستائیان در گذشته که هر قطعه از زمین ولو کوچک را به زیر کشت می بردند تا بهره ای از آن به دست آورند و به معیشت و داد و ستد نیازهای خود پردازند ولی اینک این منابع به بی توجهی مبدل شده و کار زراعت تعطیل گشته و روستا خالی از سکنه می باشد و روستائیان فقط برای تفریح در ایام بهار و تابستان حضور پیدا می کنند و همانند توریست به عنوان مصرف کننده حضور می یابند که روشی نا مطلوب و غیر منطقی است و برای دگرگونی این روش قبل از هر چیز عزم دولت را می طلبد که هم سیاستگذار و هم مجری روش های بهینه است و شرط موفقیت آن نیز انتقال کارشناسان به مزارع می باشد.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که به لحاظ کم آبی در کشور توسعه کشت دیم از روش های بهینه است که در این باب لازم است برای کشت دیم به کشاورزان روستاها سوبسید کاهش برداشت نسبت به کشت آبی پرداخت گردد که با این روش تشویقی کشت دیم توسعه می یابد.

کسانی چون من که روستایی هستم با پوست و گوشت و استخوانم فاجعه
مهاجرت روستائیان را درک می کنیم و فاجعه ای بس زیانبار را در
مسیر زمان حس می کنیم و متأسف و متألّم از این هستیم که چه منابع
ذیهمیتی را به فنا سوق می دهیم. امیدوارم دولت خودم به این حلقه
مفقوده توجه خاصی بکند و مجردا کار و تلاش را در روستاها احیا و
روح زندگی بر روستائیان برگرداند. به قول شاعر بزرگ سعدی شیرین
سخن:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و
به غفلت نخوری